

قالیباف

ایران به دنبال گسترش روابط اقتصادی با اعضای بریکس است



رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار رئیس مجلس انبویی با تأکید بر تقویت روابط پارلمانی و اقتصادی، توسعه همکاری‌های دوجانبه در چارچوب بریکس را زمینه‌ساز گسترش تعاملات دانست. «تاگسه‌چافو» رئیس مجلس انبویی که به‌آمد دپروز در رأس هیأتی پارلمانی به منظور رایزنی‌های دوجانبه وارد تهران شد، صبح دپروز با ورود به بهارستان، مورد استقبال رسمی همتای خود، محمدباقر قالیباف قرار گرفت و با وی دیدار و گفت‌وگو کرد. قالیباف در ابتدای این دیدار ضمن خوشامدگویی به همتای انبوییایی خود و هیأت همراه وی گفت: مردم ایران نسبت به انبویی نگاه برادرانه‌ای دارند و این رویکرد از گذشته‌های دور در ذهن ماست.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه روابط گذشته باید نقشه راه آینده را ترسیم کند، اظهار کرد: هر کدام از اقدامات خوبی که ۲ طرف می‌توانند با کمک یکدیگر انجام دهند، نیازمند فعال شدن سفارتخانه‌های برای توسعه روابط سیاسی است تا مقدمه‌ای برای توسعه روابط پارلمانی، اقتصادی، فرهنگی و... باشد.

وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران از زمان پیوستن به بریکس تلاش دارد روابط اقتصادی دوجانبه خود با اعضای این پیمان از جمله انبویی را توسعه دهد، گفت: در همین زمینه «بریکس پلاس» می‌تواند برای روابط تجاری راهگشا باشد و معتقدیم هیچ مانعی برای توسعه روابط وجود ندارد.

قالیباف در ادامه تنش‌های موجود در شاخ آفریقا، شمال آفریقا و غرب آسیا را از طراحی‌های غرب دانست و افزود: آنها می‌خواهند شرایط نامنی را برای کشورهای مستقل و مسلمان ایجاد کنند. رئیس نهاد قانونگذاری کشورمان در همین زمینه افزود: موضوع امنیت کشورها و ملت‌ها یک موضوع یکپارچه و پیوسته به یکدیگر است. با نگاهی به شرق و غرب دریای سرخ می‌بینیم اتفاقات زیادی در حال وقوع است که اثر مستقیم بر امنیت کشورها دارد. کشورهای منطقه باید خودشان به دنبال ایجاد امنیت یکپارچه باشند.

وی در ادامه تأکید کرد: کشورهایی که با یکدیگر دوستان، دشمنان و منافع مشترک دارند، باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند و همکاری کنند. ریشه نامی‌ها در این مناطق بویژه سودان، رژیم صهیونیستی با حمایت امریکاست که صرفا به دنبال منافع خود در آفریقا هستند.

قالیباف اضافه کرد: تجزیه سودان به ۲ بخش سودان شمالی و سودان جنوبی نیز یکی از همین توطئه‌ها بود که مشابه آن را در غزه، سوریه و یمن شاهدیم. رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ما همواره در حوزه روابط خود با کشورها بویژه انبویی اصول یکپارچگی کشورها و عدم دخالت در امور داخلی را به رسمیت می‌شناسیم، عنوان کرد: ما مرزها و حاکمیت دولت‌ها را معتبر می‌دانیم و بر همین اساس اقدام می‌کنیم، همچنین از حفظ تمامیت ارضی کشورها حمایت می‌کنیم.

■ **تأکید رئیس مجلس انبویی بر اهمیت تقویت روابط پارلمانی**

تاگسه چافو نیز در این دیدار ضمن قراردانی از استقبال و میهمان‌نوازی گرم همتای ایرانی خود گفت: ۲ کشور دارای اشتراکات متعددی هستند؛ ایران دارای تمدنی باستانی و فرهنگی غنی است و انبویی نیز چنین ویژگی‌هایی دارد. رئیس مجلس انبویی با اشاره به سفر گذشته قالیباف به انبویی و صحبت درباره روابط دوجانبه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی عنوان کرد: امروز موضوعات میان ۲ کشور از طریق آکر دیته قطر دنبال می‌شود و تلاش داریم در همین راستا سفارتخانه‌های ۲ کشور فعال شوند.

وی با اشاره به موضوعات حوزه اقتصادی اظهار کرد: از آنجا که ۲ کشور عضو بریکس هستیم می‌توانیم از ظرفیت بریکس استفاده کنیم تا موضوعات همکاری اقتصادی خود را پیش ببریم.

چافو با اشاره به اهمیت موضوع امنیت منطقه‌ای که ایران در آن واقع است، همچنین امنیت منطقه شاخ آفریقا اذعان کرد: برقراری امنیت در سودان، کنیا، اریتره، سومالی و... برای ما بسیار مهم است. شما از دوستان ما هستید، از این رو بر تقویت روابط برای تأمین امنیت و ثبات در هر دو منطقه تأکید داریم. رئیس مجلس این کشور آفریقایی در پایان گفت: کشور ما به‌عنوان پایتخت سیاسی آفریقا محسوب می‌شود. ما اشتراکات فرهنگی و دینی هم داریم و آماده همکاری در حوزه پارلمانی و معتقد به توسعه روابط هستیم.

■ ■ ■

توقیف کشتی خارجی حامل ۶میلیون لیتر سوخت قاچاق در دریای عمان

رئیس کل دادگستری استان هرم‌زگان گفت: یک فروند کشتی نفتکش حامل ۶ میلیون لیتر گازوئیل قاچاق در سواحل دریای عمان از سوی ضابطان قضایی توقیف شد.

مجتبی قهرمانی اظهار کرد: با هدف مبارزه با سرشیکه‌های قاچاق سوخت و قاچاقچیان، این کشتی خارجی به دریای عمان و آب‌های تحت حاکمیت کشورمان در حوالی جاسک، روز گذشته از سوی ضابطان قضایی توقیف شد. وی گفت: این کشتی بدون مدارک دریاوردی درباره سفر و برنامه محموله سوخت است. قهرمانی عنوان داشت: این کشتی همه سامانه‌های ناوبری و کمک‌ناوبری خود را خاموش کرده بود. رئیس کل دادگستری هرم‌زگان گفت: این کشتی ۱۸ خدمه از اتباع کشورهای هند، سریلانکا و بنگلادش دارد.

انتشار خبر درگذشت خسرو علیکردی، وکیل پایه یک دادگستری و ساکن مشهد، طی روزهای اخیر از یک خبر محلی فراتر رفته و به موضوعی مناقشه‌برانگیز در فضای رسانه‌ای بدل شده است. نخستین گزارش رسمی شامگاه ۱۵ آذرماه از سوی یک پایگاه خبری محلی در سبزوار منتشر شد که اعلام کرد: «بنا به گزارشات رسیده، خسرو علیکردی، وکیل شناخته‌شده و از چهره‌های حقوقی سبزوار، شب گذشته بر اثر ایست قلبی درگذشت». ساعاتی بعد نیز منابع محلی تأیید کردند وی در دفتر کار خود جان باخته است. با وجود شفافیت خبر اولیه، روند پوشش رسانه‌ای این واقعه مسیر دیگری را طی کرد. ماجرا به وکالت خسرو علیکردی برمی‌گردد. وی وکالت شماری از متهمان اعتراضات سال ۱۴۰۱، از جمله پرونده‌های مرتبط با خانواده آدینه‌زاده و فاطمه سپهری را برعهده داشت و همین سابقه، به‌سرعت به محور اصلی بازنمایی رسانه‌های خارج‌نشین تبدیل شد. در این مرحله، تمرکز از «علت فوت» به «نقش سیاسی وکالتی» منتقل شده؛ تغییری که پیش‌تر نیز در موارد مشابه مشاهده شده است.

یک روز پس از انتشار خبر درگذشت وی برخی رسانه‌های معاند نوشتند پیکر علیکردی برای بررسی به پزشکی قانونی منتقل شده و مرگ او «پراهام» است. همزمان، یکی از مدعیان حقوق بشر که سازماندهی آموزش براندازی را برعهده دارد، با انتشار یادداشتی، از نقش علیکردی در پیگیری پرونده‌های سیاسی در خراسان تمجید کرد و فقدان او را «ضایعه‌ای برای همه کنشگران عدالت‌خواه» خواند. این موضع‌گیری‌ها، بدون اشاره به یافته‌های پزشکی یا گزارش‌های رسمی، عملاً زمینه‌ساز تثبیت گزاره «مرگ مشکوک» در فضای رسانه‌ای شد. در ادامه، برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی و صفحات فعال ضدانقلاب پا را فراتر گذاشتند. فردی که خود را حقوق‌دان معرفی می‌کرد، مدعی شد: «مرگ خسرو علیکردی عادی نیست، چون در سال‌های اخیر بیش از ۵۰ وکیل کشته شده‌اند». این ادعا بدون ارائه منبع معتبر منتشر شد اما به سرعت در شبکه‌های اجتماعی بازنشر یافت. همزمان، رسانه‌ای دیگر با اشاره به بازداشت علیکردی در مرداد ۱۴۰۲ و محکومیت قضایی او در بهمن همان سال، مدعی شد وی «چند روز پیش از مرگ درباره پرونده‌سازی‌های جدید هشدار داده بود»؛ گزاره‌ای که هیچ سند رسمی برای آن ارائه نشد. در این فضا، کلیدوازه #خسرو_علیکردی در شبکه‌های اجتماعی فعال شد. بررسی الگوی انتشار نشان می‌داد بخش قابل توجهی از این موج، توسط حساب‌هایی با رفتار هماهنگ و تکرار‌شونده پیش می‌رود؛ الگویی که پیش‌تر در کارزارهای رسانه‌ای جریان سلطنت‌طلب نیز مشاهده شده بود. با این حال، این موج نتوانست در افکار عمومی امتداد معناداری پیدا کند و عمداً در همان دایره فعالان سازمان‌یافته باقی ماند. این پرسش در همین نقطه مطرح می‌شود: چرا با وجود حجم بالای فضا‌سازی، جامعه واکنش گسترده‌ای نشان نداد؟ جواب این پرسش را در تغییر روند فضا‌سازی ضدانقلاب و سوابق فعالیت‌های گروهکی براندازان –که در ادامه اشاره می‌شود– می‌توان یافت.

در روزهای بعد، روایت‌سازی وارد مرحله تازه‌ای شد. برخی صفحات مجازی به نقل از جواد علیکردی، برادر متوفی، از احتمال «ضربه به سر» سخن گفتند؛ ادعایی که به‌سرعت به خوراک جدید رسانه‌های معاند تبدیل شد. در همین مقطع، نقش خانواده در مدیریت رسانه‌ای این واقعه پررنگ‌تر شد. جواد علیکردی در مراسم تشییع، مدعی فشارهای امنیتی شد و از سوابق قضایی برادرش سخن گفت؛ سخنانی که بلافاصله با شعارهایی از سوی برخی حاضران همراه شد. شعارهایی مانند «ای خسرو پهلوان، رهاست ادامه دارد» و «پاینده ایران، جاوید شاه» که ریشه آنها در ادبیات جریان سلطنت‌طلب قابل شناسایی است. انتشار ویدئوهای این صحنه‌ها در رسانه‌های خارج‌نشین، نشان داد مراسم سوگوری بتدریج در حال تبدیل شدن به بستری برای کنش سیاسی است.

در واکنش به گسترش شایعات، دستگاه قضایی توضیحات رسمی ارائه کرد. محمدرضا دشتیان، معاون دادستان انقلاب مشهد، اعلام کرد: «دفتر کار مرحوم علیکردی تحت پوشش دوربین مدارسته بوده و تصاویر ضبط‌شده نشان می‌دهد وی ساعت ۵۶: ۲۰، در حالی که پشت میز نشسته و مشغول بررسی گوشی همراه خود بوده، ناگهان به سمت چپ خم شده و روی زمین می‌افتد». او افزود: بازپرس پرونده پس از بررسی ظاهری جسد، هیچ نشانه‌ای از ضرب و جرح، درگیری یا خودزنی مشاهده نکرده و مرگ را غیرجانی تشخیص داده است. همچنین اعلام شد «حافظه دوربین‌های مداربسته طبق صورت‌جلسه رسمی به برادر متوفی تحویل داده شده است». متعاقب این

گروه هکری حنظله در تازه‌ترین اقدام خود، هویت و اطلاعات شخصی بیش از ۱۰ نفر از طراحان و مهندسان اصلی سامانه‌های پدافندی پیشرفته رژیم صهیونیستی را افشا کرد. این افراد، مغزهای متفکر پشت توسعه سامانه‌های پیکان (آرو) که برای رهگیری موشک‌های بالستیک دوربرد و حتی فراضوت طراحی شده و لایه بیرونی دفاع هوایی رژیم را تشکیل می‌دهد و فلاخن داوود، لایه میانی برای مقابله با موشک‌های میان‌برد، کروز و هواپیماهای با برد ۷۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر هستند. این ۲ سامانه، همراه گنبد آهنین، سپر چندلایه پدافند هوایی رژیم صهیونیستی را می‌سازند که میلیاردها دلار هزینه برای آن صرف شده و ادعا می‌شود قادر به حفاظت از آسمان سرزمین اشغالی است؛ ادعایی که البته در جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و در پی حملات موشکی ایران به اسرائیل باطل شد.

سامانه پیکان به عنوان پیشرفته‌ترین لایه دفاع بالستیک رژیم، با همکاری آمریکا توسعه یافته و برای مقابله با تهدیدات دوربرد مانند موشک‌های ایرانی طراحی شده، در حالی که فلاخن داوود قابلیت رهگیری اهداف در ارتفاع بالا و سرعت زیاد را دارد. این سامانه‌ها نماد ادعایی «برتری تکنولوژیک» رژیم صهیونیستی هستند اما بخشی هویت طراحان آنها نشان می‌دهد حتی حساس‌ترین پوشش‌های دفاعی این رژیم نیز در برابر نفوذ سایبری آسیب‌پذیر است. حنظله تأکید کرده این افراد پیش‌تر در سایه امنیت کاذب پنهان بودند اما اکنون کاملاً افشا شده‌اند و برای ارائه اطلاعات

مرگ خسرو علیکردی؛ آبرو ریزی ضدانقلاب و تلاش بی‌فایده برای ایجاد آشوب اجتماعی

مفلوکان همیشگی



می‌پذیرد». پس از آن بود که خبر بازداشت جواد علیکردی نیز در رسانه‌ها منتشر شد.

در مجموع، روند چندروزه پوشش رسانه‌ای درگذشت خسرو علیکردی نشان داد چگونه یک مرگ با اعلام رسمی و داده‌های مشخص، می‌تواند به میدان رقابت روایت‌ها تبدیل شود. رقابتی که در آن، واقعیت‌های پزشکی و قضایی در برابر تلاش برای سیاسی‌سازی سوگ قرار گرفت؛ تلاشی که اگرچه پر حجم بود اما نتوانست افکار عمومی را به‌طور گسترده با خود همراه کند.

■ **از فوت تا فتنه‌سازی؛ کالبدشکافی یک پروژه رسانه‌ای شکست‌خورده**

الگوی پوشش رسانه‌ای فوت وکیل مشهودی نشان می‌دهد که آنچه در فضای رسانه‌ای شکل گرفت، پیگیری یک خبر نبود، بلکه به‌تدریج نشانه‌های یک پروژه آشنا و تکرار‌شونده نمایان شد؛ پروژه‌ای که پیش‌تر نیز در موارد مشابه تجربه شده بود. تبدیل یک مرگ طبیعی به «مرگ سیاسی» در این روند، خبر فوت که در ساعات اولیه با اعلام روشن «ایست قلبی» منتشر شده بود، به سرعت و با تمرکز کاملاً مشکوک از مسیر طبیعی خود خارج شد. رسانه‌های ضدانقلاب و شبکه‌ای از فعالان مجازی سلطنت‌طلب و برانداز، تمرکز را از علت مرگ به پیشینه حرفه‌ای متوفی منتقل کردند و سابقه وکالت خسرو علیکردی در برخی پرونده‌های مرتبط با اعتراضات سال ۱۴۰۱، به محور اصلی روایت بدل شد؛ گویی این سابقه به‌تنهایی برای القای «مرگ مشکوک» کفایت می‌کرد.

در ادامه، ادبیات خسر به‌طور معناداری تغییر کرد. واژه‌هایی مانند «پهام»، «تردید»، «جاویدنام» و «پرسش‌های بی‌پاسخ» جای خود را در تیترها و پست‌های شبکه‌های اجتماعی باز کردند، بی‌آنکه داده تازه‌ای ارائه شود. همزمان، ورود چهره‌های مانند زن فعال در جریان ضدانقلاب و مدعی حقوق بشر به این روایت وزن عاطفی بخشید. پیام‌هایی که بیش از آنکه به داده‌های پزشکی یا قضایی استناد داشته باشد، بر ارزش‌گذاری براندازانه تکیه می‌کرد. در این مقطع، پروژه وارد فاز دوم شد؛ فازی که می‌توان آن را «سیاسی‌سازی سوگ» نامید. اظهارات جواد علیکردی، برادر متوفی، درباره فشارهای امنیتی گذشته و طرح ادعاهایی نظیر احتمال ضربه به سر، بلافاصله توسط رسانه‌های معاند برجسته شد. این اظهارات، بدون ارائه سند رسمی، به عنوان «شاهد جدید» بازنشر شد و زمینه را برای انتقال مراسم سوگوری از یک آیین شخصی به صحنه کنش سیاسی فراهم کرد.

نشانه روشن این تغییر، شعارهایی بود که در مراسم تشییع و سپس مراسم هفتم شنیده شد. در کنار شعارهای احساسی، شعارهایی با ادبیات صریح سلطنت‌طلبانه نیز سر داده شد؛ امری که نشان می‌داد مدیریت صحنه از سوگ

خانوادگی فراتر رفته و بازیگران آشنای فضای اعتراضات خیابانی وارد میدان شده‌اند. همزمان با این تحولات میدانی، فضای مجازی نیز شاهد فعالیت گسترده حساب‌هایی بود که با الگوی رفتاری مشابه، کلیدوازه #خسرو_علیکردی را داغ می‌کردند. بررسی روند انتشار نشان می‌داد این موج، بیش از آنکه محصول واکنش طبیعی جامعه باشد، حاصل فعالیت هماهنگ شبکه‌ای از حساب‌های مشخص است. با این حال، این تلاش نتوانست به بدنه افکار عمومی نفوذ کند و در همان دایره محدود ماند؛ نشانه‌ای از کاهش کارایی این الگو در شرایط فعلی جامعه.

نقطه عطف ماجرا، انتشار توضیحات رسمی دستگاه قضایی و سپس ویدئوی دوربین‌های مداربسته دفتر کار علیکردی بود. تصاویر نشان می‌داد وی به صورت ناگهانی و بدون هیچ نشانه‌ای از درگیری یا ضرب‌وجرح، دچار ایست قلبی شده است. این داده عینی، بخش مهمی از روایت‌سازی‌های پیشین را خنثی کرد. واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز نشان داد حتی در میان طیف‌های مختلف سیاسی، پذیرش روایت «مرگ‌سازی سیاسی» با تردید جدی مواجه شده است.

با وجود این، تلاش برای احیای پروژه ادامه یافت. در مراسم‌های بعدی، برخی چهره‌های شناخته‌شده اعتراضات ۱۴۰۱ در مشهد حاضر شدند و کوشیدند با هدایت شعارها، فضا را ملتهب نگه دارند اما تناقض در پیام‌ها، جمعیت محدود و نبود همراهی اجتماعی، بار دیگر نشان داد این سناریو فاقد پشتوانه واقعی است. در نهایت، ورود نیروی انتظامی و دستگاه قضایی به حاشیه‌های ایجادشده و اعلام رسمی درباره مهار رفتارهای غیرقانونی، پرونده را وارد فاز جدیدی کرد. بازداشت موقت تعدادی از فعالان برانداز و حامیان ضدانقلاب به دلیل سر دادن شعارهای هنجارشکنانه، عملاً پایان تلاش برای تبدیل این واقعه به یک بحران اجتماعی را رقم زد.

آنچه از این روند چندروزه برمی‌آید، فراتر از یک پرونده خاص است. تجربه خسرو علیکردی نشان داد الگوی «مرگ‌سازی سیاسی» همچنان در دستور کار رسانه‌های ضدانقلاب قرار دارد اما اثرگذاری آن نسبت به گذشته کاهش یافته است. جامعه‌ای که بارها با چنین سناریوهایی مواجه شده، امروز بیش از پیش به داده‌های مستند و شواهد عینی توجه می‌کند. این پرونده، در عین حال، یک هشدار روشن برای افکار عمومی دارد: مرز میان سوگ انسانی و بهره‌برداری سیاسی، مرزی دشوار و پرتلاطم است. هر جا که احساسات جای داده را بگیرد و روایت جای واقعیت بنشیند، امکان سوءاستفاده فراهم می‌شود. در این هنگام هوشیاری رسانه‌ای و پرهیز از قضاوت شتاب‌زده، مهم‌ترین مانع در برابر پروژه‌هایی است که می‌کوشند از هر واقعه انسانی، پلی به سوی التهاب اجتماعی بسازند.

پس از گنبد آهنین، حنظله هویت طراحان فلاخن داوود و پیکان را هم افشا کرد

دفاع بی دفاع اسرائیل

است. حداقل در ۲ سال گذشته، بویژه پس از جنگ ۱۲ روزه، لایه به لایه ساختار امنیتی رژیم هدف قرار گرفته و اطلاعات حساسی که دهها مخفی نگه داشته می شدند، اکنون یکی پس از دیگری در معرض دید جهانی قرار می‌گیرد. هر چند باید به این نکته توجه داشت که اطلاعات منتشرشده، صرفا نوک کوه یخ است.

درباره گروه حنظله، همچنان اطلاعات رسمی محدودی موجود است؛ محل پایگاه عملیاتی، هویت اعضا و ساختار دقیق آن ناشناخته باقی مانده و این گمنامی، منبع اصلی قدرت آنهاست. با این حال، مقامات صهیونیست و رسانه‌های غربی عموماً این گروه را وابسته به ایران یا بخشی از «جبهه سایبری محور مقاومت» توصیف می‌کنند و آن را تهدیدی وجودی برای امنیت خود می‌دانند؛ موضوعی که آن را باید اعتراف صهیونیست‌ها به قدرت سایبری ایران تحلیل کرد. رژیم صهیونیستی امروز در صدر فهرست اهداف گروه‌های هکری قرار دارد و زیر فشار بی‌امان جنگ سایبری همه‌جانبه است. از هک پایگاه‌های داده نظامی و هسته‌ای تا افشای هویت افراد کلیدی و حتی دسترسی به سیستم‌های ماهواره‌ای و راداری، تقریباً هیچ اطلاعات حساسی باقی نمانده که توسط هکرها، بویژه گروه حنظله استخراج و منتشر نشده باشد. وضعیت که ادعای «ژئوفوندانپیر» بودن و «برتری اطلاعاتی و دفاعی و سایبری» رژیم صهیونیستی را کاملاً زیر سوال برده و نشان می‌دهد پنهانکاری و امنیت کاذب گذشته صهیونیست‌ها دیگر هیچ معنایی ندارد.

افراد به همراه سامانه مرتبط عبارت است از: شادک بارششت مرتبط با سامانه پاتریوت، هانی گلدمن مرتبط با سامانه فلاخن داوود، آوی گرینشپون مرتبط با سامانه پیکان، یعقوب انگل مرتبط با سامانه فلاخن داوود، روی گلیکمن مرتبط با سامانه فلاخن داوود، نتانل بینحاس مرتبط با سامانه فلاخن داوود، دابوش مرتبط با سامانه پاتریوت، دوتان ورتزکی مرتبط با سامانه پاتریوت، بار بنزری مرتبط با سامانه پاتریوت، ارز پیکان و امیر کوهن مرتبط با سامانه پیکان.

به هر حال، این سبب‌های سبب‌های پی‌درپی، عمق واقعی آسیب‌پذیری سایبری رژیم صهیونیستی را بویژه در حوزه‌های دفاعی، هسته‌ای و اطلاعاتی آشکار می‌کند. به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های عظیم تل‌آویو در حوزه سایبری و یگان‌های پیشرفته مانند واحد ۸۲۰۰، نفوذهای مکرر و استخراج اطلاعات طبقه‌بندی‌شده ثابت می‌کند این رژیم در برابر حملات سایبری هدفمند کاملاً شکننده است و هیچ راه‌حل مؤثر و پایداری برای این بحران مزمن پیدا نکرده



معتبر مانند موقعیت مکانی فعلی هر یک، ۳۰ هزار دلار هم پاداش تعیین کرده است. این عملیات سایبری، ادامه مستقیم و تشدیدشده کمپین گسترده افشاشی‌های گروه حنظله علیه ساختار نظامی، اطلاعاتی و دفاعی رژیم صهیونیستی است. پیش از این، حنظله در عملیاتی مشابه هویت ۱۱ نفر از طراحان اصلی گنبدآهنین (لایه کونایر‌دبرای رهگیری راکت‌ها و خیمه‌پارها، مانند آندری اوستروفسکی، چن

سارگی، دنیس زارفین، گال وینبرگ، موشه شتاو، رام آلون، رونن میلر، سایبر آهارونی، شلومو کوهن، سیمیون نوویکوف و استفان گگل را منتشر کرده بود. همچنین حنظله اعضای یگان سایبری واحد ۸۲۰۰، دانشمندان هسته‌ای مرتبط با مرکز سورک و مؤسسه وایزمن، متخصصان صنایع هوافضا در شرکت‌های رافائل، البیت و التا و حتی مهندسان پروژه‌های لیزری و پهپادی را هدف قرار داده است. مشخصاً هدف از این افشاشی‌ها ایجاد اختلال عمیق روانی، عملیاتی و امنیتی در رژیم اشغالگر است که به هدف خود هم رسیده است. بر اساس اعلام رسمی گروه حنظله، اسامی افشا شده